

باز بینی محکومیت جمهوری اسلامی

باز هم محکومیت دیگری

امیر فیض- حقوقدان

دیروز دادگاه استیناف انتاریو حکم دادگاه بدوی دائر به محکومیت جمهوری اسلامی در تامین خسارات بازماندگان اقدامات تروریستی انجام شده در لبنان در سال ۱۹۸۳ را تائید کرد و بدین ترتیب بازماندگان زیان دیدگان و مصدومین که برخی از آنان در دادگاه های آمریکا شکای شده اند میتوانند از دارائی های جمهوری اسلامی در کانادا تا مبلغ یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار مطالبه خسارت کنند.

بنظر میآید که دعوی مزبور بسیار ساده بوده است؛ زیرا قبل از طرح دعوا متهم پرونده حزب الله لبنان شناخته شده بود؛ اما مشکل وکلای زیان دیدگان این بود که حزب الله لبنان نمیتوانست لقمه ای باشد که از نظر حقوقی پاسخگوی خسارات سنگین متقاضیان زیان باشد و دوم اینکه عمل تروریستی در کانادا روی نداده بود و ورود کانادا در این دعوا بدون مخصصه نبود؛ و دولت کانادا تنها میتواند نسبت به قابل اجرا بودن احکام دادگاه آمریکا در مورد محکومیت جمهوری اسلامی به جبران خسارات اظهار نظر کند، نه اینکه مستقیماً وارد دعوا شود؛ ولی مشکل مزبور با تصویب قانون عدالت برای قربانیان تروریسم رفع گردید و دادگاه کانادا هم از نظر صلاحیت رسیدگی در عرض دادگاه آمریکا نسبت به موضوع قرار گرفت.

آنطور که از اخبار برمیآید دفاع جمهوری اسلامی محدود به اصل مصونیت قضائی دولت ایران بوده است و در ماهیت که عدم توجه و یا حمایت از اقدامات تروریستی مربوط به انفجار خوابگاه سربازان آمریکائی نبوده است، لازم به اشاره است که اصل مصونیت دارای شرائطی است و از همه مهمتر مصونیت متوجه حقوق و اتهامات کیفری است نه خسارات، خاصه خسارات ثالث. این عقیده جای بررسی دارد که جمهوری اسلامی از زمانی که حمایت از گروه هائی که جامعه جهانی آنها را تروریست مینامد در قانون اساسی خود پیاده کرده نمیتواند از اصل مصونیت قضائی دولت ها استفاده کند.

مشکل جمهوری اسلامی

مستند حکم دادگاه استیناف انتاریو حمایت جمهوری اسلامی از تروریست های لبنان است، نه مشارکت. اثبات عدم حمایت از سوی جمهوری اسلامی ممکن نبوده و نیست. ازان سال تاکنون بکرات اصل حمایت از حزب الله از سوی مسئولین جمهوری اسلامی اعلام و روی آن پا فشاری شده است و متقابل حزب الله لبنان هم بکرات قدردانی و قدرت عملیاتی خودش را ناشی از حمایت جمهوری اسلامی اعلام جهانی کرده است، و این احتمال که وکلای جمهوری اسلامی بتوانند حمایت را امری سرخود و خارج از مسیر دولت و قانون قرار دهند هم بکلی منتفی بوده است زیرا قانون اساسی جمهوری اسلامی حمایت مورد ادعای شاکیان را مصدر تکلیف قانونی دانسته است. لهذا حتی از نظر قانون جمهوری اسلامی هم در این حالت که اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی سبب زیان و خسارات شده تامین خسارات بر عهده جمهوری اسلامی است و حق این دفاع که حمایت از تروریستها امری سرخود بوده و مسئول حقوقی و کیفری آن افراد

جمهوری اسلامی هستند نه دولت هم از جمهوری اسلامی سلب است و در نهایت مردم که برای امرار معاش به فروش دختران خود روی آورده اند هم باید اتهام تروریست بودن کشورشان را بپذیرند و هم خسارات میلیارد دلاری هارا بدهند.

رابطه سقوط جمهوری اسلامی با احکام مزبور

رابطه اجرائی احکام مزبور با جمهوری اسلامی میتوان در شقوق مختلفی مورد نقد قرارداد؛ از جمله اینکه اگر جمهوری اسلامی با تغییراتی حتی در اساسنامه تبدیل به حکومتی قابل قبول (حقوقی) از سوی جامعه جهانی گردد تاثیری در احکام مزبور نخواهد داشت.

ولی ممکن است در صورتی که جمهوری اسلامی با یک انقلاب داخلی و قهر و غلبه و اعدام متصدیان کشور و محکومیت عمومی و **به اعتبار حقانیت قانون اساسی مشروطیت سقوط کند اصل حاکمیت ملت و حقوق ممتاز در قانون اساسی مشروطیت این امکان را ممکن است بدهد که مسیر تازه ای در جهت اجرای احکام مزبور فراهم شود** ولی سیاست و روش <آسه برو آسه بیا که گربه ساخت نزند> همه این مصائب و خسارات را برگرداند همان کسی خواهد انداخت که از شاخ گربه میترسد.

ورشکستگی جمهوری اسلامی

ارقام درشت محکومیت جمهوری اسلامی که کم، کم نمایان میشود و از سوی دیگر مطالبات حقه بخش خصوصی از دولت که رقمی بسیار بالاست و جمهوری اسلامی و بانکهای آنرا در مرز و خطر ورشکستگی قرارداد است و حتی میتوان گفت که جمهوری اسلامی ورشکسته است ولی در اعلام آن تعلل میشود، در این حالت چگونه ممکن است گروهی از طلبکاران جمهوری اسلامی (شاکیان از عملیات تروریستی) خسارات خود را تمام و کمال دریافت کنند، این طریق خلاف اصل رعایت حال غرماست که باید به نسبت در داری های شخص ورشکسته شرکت داشته باشند و در کلیه قوانین تجاری کشورها قید است.

واکنش جمهوری اسلامی

واکنش وزارت خارجه جمهوری اسلامی به حکم مزبور، در حالیکه وزارت خارجه جمهوری اسلامی مدعی است که دادگاه کانادا را قبول ندارد این ادعا را هم مطرح کرده که اصولاً صدور حکم علیه یک دولت خارجی مغایر اصل برابری دولتهاست یعنی ادعای نخست خودش را باطل ساخته است.

اعتراض نخست جمهوری اسلامی تاثیری در اجرای حکم ندارد زیرا حکم از دادگاه کانادا صادر شده و در محدوده کشور کانادا هم قابل اجراست و اموال جمهوری اسلامی هم در کانادا است و با توجه به حضور نماینده جمهوری اسلامی در دادگاه استیاف انتاریو دیگر فصل قبول و یارد دادگاه گذشته است و ایراد عدم صلاحیت تنها قبل از ورود دادگاه به ماهیت دعوا مسموع میباشد آنهم در دادگاه بدوی.

اما ایراد دوم وزارت خارجه فرقه تبهکار (جمهوری اسلامی) وارد است؛ اما نسبت به کشورهایی ایراد مزبور وارد است که آن کشورها وفق اصول بین المللی و منشور سازمان عمل کنند نه جمهوری اسلامی

که در قانون اساسی کشورش موقعیت خاصی که کاملاً خلاف منشور سازمان ملل و اصل برابری کشورها ست اتخاذ کرده است.

صحبتی با خودمان

نه ما ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی ونه ایرانیان موافق جمهوری اسلامی ونه مسئولین و دست اندرکاران برآستی نمیدانیم ونمیدانند که کشوردرچه حالی است چه مبلغ دعوا علیه ایران مطرح است و چه تعداد حکم به محکومیت ایران صادرشده است، دارائی بلوکه شده ایران نزد آمریکا چقدر است، چه قرار دادهای محرمانه و چه امتیازاتی به خارجیان داده شده است، ذخائر و پشتوانه های ارزی کشور در چه حال است وبسیاری نظیر آنها.

آیا شما میدانستید

هیچکس چیزی نمیداند و آنهاهم که دست درموضوع دارند بازهم درست نمیدانند (مستند اظهارات رئیس بانک مرکزی) همین دوز قبل وزیر آموزش وپرورش از باب شکایت وگله اظهارداشت <درکشور ۲۰ نوع تعلیم و تربیت و آموزش های مختلف درمدارس ابتدائی جاری است> آیا ما ایرانیها اکنون که این خبر را از وزیر آموزش وپرورش میشنویم میتوانیم توضیح دهیم که چگونه ممکن است درکشوری بافرهنگ ثابت ۲۰ نوع آموزش وپرورش وجود داشته باشد و آیا اصلاً میتوانیم تصورکنیم که ۲۰ نوع آموزش وپرورش درمدارس ابتدائی چگونه عملی میشود؟

آیا کسی میدانست

هرکجای مملکت راکه بازکنید گنبدیده وفسادش غیرقابل تامل است هم امروز درمجلس اسلامی عنوان شد که درفرم های استخدامی دردستگاه های دولتی وحتى شرکتهای مذهب افراد پرسش شده است و امتیاز را به اهل شیعه میدهند و با آنکه درقانون اساسی بین شیعه و سنی تفاوتی منظور نشده معهداً عملاً حقوق اهل تسنن نادیده گرفته میشود و از باب نمونه میگوید درکردستان ۶ ماه است که جای یکی از مسئولین که مردم میخواستند سنی باشد همچنان خالی است و میگویند <اگر به یک سنی مسئولیت بدهیم فردا قیامت جواب حضرت فاطمه را چه میدهیم>!

می بینید چه راحت وبی سروصدا موجبات تفرقه ملت وتجزیه کشور وجنگ شیعه و سنی را جمهوری اسلامی دامن میزند؛ چه کسی از این جریان آگاه بود؟ تا وقتی که آنرا مسئولین جمهوری اسلامی فاش کردند و اگر هم آنها فاش نمیکردند ما همه درخواب خرگوشی بودیم گرچه ماخودمان هم در امرتجزیه کشورپاک عمل نیستیم.

قرارداد توتال

دوروز قبل قرارداد با شرکت توتال فرانسوی برای استفاده از مناطق گازی ایران به امضار رسید و جمهوری اسلامی آنرا یکی از موفق ترین فعالیت های اقتصادی خود میداند، این قرارداد با آنکه پس از برجام

مهمترین موضوعی است که دولت شیخ حسن متعهد اجرای آن شده است هیچکس حتی کارشناسان نفتی مجلس هم از مفاد این قرارداد مهم بی اطلاع میباشند.

آیا در یک کشوری که ادعای دموکراسی دارد، مجلس دارد، ممکن است قراردادی با یک شرکت خارجی بسته شود که کسی از متن آن مطلع نباشد؟

۲۰ سال مهم نیست

انروزها که گفتیم ۲۰ سال در عمر یک کشور مهم نیست و صبر کنیم که جمهوری اسلامی خودش مملکت رارها کند، بله ممکن است مدت مهم نباشد، ولی آنچه مهم است، فساد است که فراگیر وانبوه و درهم امیخته میشود که قرنها هم برای مرمت و اصلاح آن کافی نیست.